



تأثیر حاکمیت شرکتی و پاداش مدیریتی بر سیاست‌های مالیاتی جسورانه: شواهدی از شرکت‌ها پذیرفته شده در اوراق بهادار تهران

سید فخرالدین فخرحسینی (مسئول مکاتبات)

استادیار گروه حسابداری، واحد تنکابن، دانشگاه آزاد اسلامی

f.hossini@toniau.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۳۰

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷

چکیده

در زمینه حسابداری از سال ۲۰۰۰، تعیین عوامل مؤثر بر سطح مالیات جسورانه یک نگرانی عمده بوده است. هیچ تعریف پذیرفته شده‌ای عمومی از سیاست‌های مالیاتی جسورانه وجود ندارد. ادبیات مربوطه، سیاست‌های مالیاتی جسورانه را به عنوان کاهش عمدی در درآمد مشمول مالیات از طریق فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی، تعریف کرده است. هدف این تحقیق بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و پاداش مدیریتی بر سیاست‌های مالیاتی جسورانه کسب و کار شرکت‌ها پذیرفته شده در اوراق بهادار تهران بوده است. این تحقیق در بازه زمانی ۱۳۹۳-۱۳۹۹ بر روی ۱۰۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اجرا شده است. در این مطالعه، از داده‌های تابلویی برای بررسی تأثیر ساختار حاکمیت شرکتی، پاداش هیئت مدیره بر سیاست‌های مالیاتی جسورانه استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد میزان پاداش هیئت مدیره و ساختار حاکمیت شرکتی بر سیاست‌های جسورانه‌ی مالیاتی کسب و کار شرکت‌ها، تأثیر معنی داری دارد. اندازه هیئت مدیره، دوگانگی مدیر عامل و استقلال هیئت مدیره بر سیاست‌های جسورانه‌ی مالیاتی کسب و کار شرکت‌ها، تأثیر معنی‌داری ندارد.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، ساختار هیئت مدیره، سیاست مالیاتی جسورانه، پاداش هیئت مدیره.

مقدمه

استقرار الگوی مناسب برای پرداخت پاداش؛ مدیران در جهت منافع سهامداران و وام‌دهندگان فعالیت می‌کنند. دلیل اصلی طرح پاداش این است که باید به مدیران به خاطر مسئولیت‌های سازمانی که بر عهده دارند، پاداش داد و انگیزه لازم را برای عملکرد بهتر در آنان ایجاد کرد (سجادی و همکاران، ۱۳۹۰). هزینه‌های مالیاتی یکی از مهمترین هزینه‌های شرکت‌ها را تشکیل می‌دهد و موجب خروج نقدینگی از شرکتها شده و سود سهام‌داران را کاهش می‌دهد و همواره مورد توجه مدیران اجرایی و هیأت مدیره و همچنین سهامداران شرکت‌ها می‌اشد. لذا اتخاذ سیاست‌های مالیاتی (متهورانه یا محافظه کارانه) از جمله خط مشی‌هایی است که در ارزیابی عمل مدیران از سوی سهامداران و همچنین کل بازار سرمایه مورد توجه قرار می‌گیرد (سبزه و همکاران، ۱۳۹۴). سیاست‌های مالیاتی اغلب به عنوان مدیریت کاهشی درآمد مشمول مالیات از طریق فعالیت‌ها و اقدامات برنامه ریزی مالیاتی یاد می‌شود که می‌تواند قانونی یا غیرقانونی باشد. بدین منظور، در این تحقیق به تاثیر حاکمیت شرکتي و پاداش مدیریتی بر سیاست‌های مالیاتی جسورانه کسب و کار شرکت‌ها، پرداخته می‌شود.

ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق

ادبیات مربوط به مالیات بر کسب و کار شرکت‌ها نشان می‌دهد که در شرکت‌ها، پرداخت‌های مالیات بر درآمد از مهم‌ترین پرداخت‌ها است و معمولاً شرکت‌ها آن را به عنوان پرداختی که نباید پرداخت نمایند تلقی می‌کنند؛ زیرا با پرداخت مالیات نقدینگی بیشتری از شرکت خارج می‌شود و سود و وجوه نقد باقیمانده برای سایر ذینفعان شرکت از جمله سهامداران کاهش می‌یابد. از این رو به طور طبیعی این انگیزه وجود دارد تا شرکت و سهامداران آن از طریق مدیران خود اقدام به اجتناب از پرداخت مالیات نمایند (دهالیوال و همکاران، ۲۰۱۱).

مالیات‌ها عوامل برانگیزاننده‌ای در بسیاری از تصمیمات شرکت‌هاست. شواهد تحقیقات اخیر در نقاط

در کسب و کار شرکتها، به دلیل تعدد مالکان و سهامداران، نظارت مستقیم بر عملکرد شرکت توسط سهامداران میسر نیست و گروه مزبور صرفاً میتواند از مزایای حاصله بهره مند گردند. لذا منطقی است که از طریق ایجاد مکانیزمهای نظارتی، درصدد حفظ منافع خود و کنترل بهینه رفتار مدیران استخدامی برآیند. یکی از ابزارهای رایج جهت دستیابی به این مهم، اعطای پاداش به مدیران براساس عملکرد آنان و انگیزش این مباحثران، در راستای اهداف شرکت بدان طریق است، که در تئوری نمایندگی بحث می‌شود (جوادی و فتاحی، ۱۳۹۵).

بر اساس تئوری رقابتی در کسب و کار بنگاه‌ها، نسبت به تئوری پرداخت منصفانه، پیش‌بینی می‌شود که میزان پرداختی به مدیران پراکندگی بیشتری خواهد داشت. اولین بار لازر و روسن (۱۹۸۱) بر اساس نظریه مسابقه‌ای، نشان داد که پراکندگی پرداخت، منجر به بهره‌وری نهایی نمی‌گردد بلکه به تفاوت‌های نسبی بین افراد، بستگی دارد. یک ارتباط تنگاتنگی بین تلاش و بازدهی کارکنان وجود دارد که می‌تواند با افزایش پراکندگی پرداخت‌ها به صورت سلسله مراتبی، افزایش یابد. بر اساس تئوری عدالت منصفانه، نشان داده است که پراکندگی پرداخت‌های زیاد، سبب ایجاد حسادت و رفتارهای ناکارآمد در میان اعضای تیم می‌شود و این امر می‌تواند منجر به اثرات منفی متفاوتی بر روی عملکرد شرکت گردد. مطالعات تطبیقی زیادی به بررسی رویکرد‌های مسابقه‌ای و منصفانه پرداخته‌اند. باثومنت و هاریس^۱ (۲۰۰۳) در بررسی ساختار سلسله مراتبی یا فشرده، نشان داد که بر عملکرد سازمانی تاثیر دارد و فشرده سازی دستمزد سبب کاهش پراکندگی سطح دستمزد می‌گردد که می‌تواند با توجه به ویژگی‌های درون صنعت، یعنی اندازه و تفاوت مالکیت، این رابطه تغییر کند (یو و لوو^۱، ۲۰۱۵).

به طور عام، پاداش مدیریت، راه حل اصلی مسأله نمایندگی تصور می‌شود. بر اساس این اعتقاد، در صورت

هزینه‌های سیاسی است. (اسلمرود^{vi}، ۲۰۰۵؛ اسکولز و همکاران، ۲۰۰۵^{vii}؛ هانلون و اسلمرود^{ix}، ۲۰۰۹؛ چن و همکاران^x، ۲۰۱۰) همچنین هزینه‌های بالقوه نمایندگی در جهت منافع توسط مدیران در نتیجه رابطه تعریف بین تهور مالیاتی و انحراف مدیریتی وجود خواهد داشت. (دزایی و دارماپالا^{xi}، ۲۰۰۶). از اینرو، از دیدگاه نمایندگی، تهور مالیاتی یک پیش‌فرض سیاسی مطلق برای تمامی شرکت‌ها نبوده و به هزینه‌های همراه آن و فوایدی که در پی دارد بستگی خواهد داشت.

تحقیقات پیشین (دسای و دارماپالا، ۲۰۰۶؛ چن و همکاران، ۲۰۱۰؛ هانلون و اسلمرود، ۲۰۰۹) با بررسی حاکمیت شرکت و تهور مالیاتی در تلاش برای تجزیه حاکمیت شرکتی به مولفه‌های عمده‌ای همچون اعضای هیأت مدیره نیست؛ تحقیقات پیشین دربرگیرنده رابطه بین ساختار هیأت مدیره و تهور مالیاتی نمی‌باشد. هرچندکه، تطبیق کسب‌وکاری در مقولات نظریه نمایندگی و مسئولیت اجتماعی شرکتی نشان می‌دهد که ساختار هیأت‌های مدیره دارای نقش با اهمیت‌تری در نظارت بر مدیریت است تا اجرای دیگر سازوکارهای حاکمیت‌جویانه شرکتی (زهرا و استانتون^{xii}، ۱۹۸۸، زهرا و پیرس^{xiii}، ۱۹۸۹، بیسلی^{xiv}، ۱۹۹۶، ابراهیم^{xv}، ۲۰۰۳، اوزون و همکاران^{xvi}، ۲۰۰۴). بویژه، بخش اعظم روسای غیراجرایی در هیأت مدیره باید به نظارت بهتر بر مدیریت برای منافع سهامداران و بطورکلی‌تر برای جامعه منتج شود. علاوه بر این، ادبیات موجود ارائه‌کننده بررسی ناچیزی درباره وظایف روسا نسبت به افراد ذینفع است تا سهامداران، بویژه از حیث اعمال مالیاتی و تطبیق مالیاتی. این فقدان بررسی علیرغم ابتکار عمل‌های دولت‌ها در کشورهای مختلفی همچون استرالیا و بریتانیا برای اصلاح قوانین شرکتی با توسعه حیطه عمل طرفین به روسایی است که وظایف خود را شمول تمامی افراد ذینفع در جامعه مدیون هستند (ویلیامز، ۲۰۰۷^{xvii}).

گرچه آنچه که دزایی و دارماپالا (۲۰۰۶) بیان می‌کنند بنظر غیرشهودی و غیرذاتی است، این حالت را به بهترین

مختلف دنیا نشان می‌دهد که اقدامات مدیریتی طراحی شده برای کاهش مالیات شرکتی از طریق فعالیت‌های تهور مالیاتی در حال تبدیل شدن به یک ویژگی بنوعی فزاینده و معمول دورنمای شرکتی در بسیاری از کشورهای سراسر جهان است. با این وجود، سیاست‌های متهورانه مالیاتی شرکتی با خود هزینه‌ها و فواید حائز اهمیتی برای مدیریت، سهامداران و بطورکلی جامعه دربردارد. در صورت که فواید و مزایای اعمال سیاست‌های متهورانه مالیاتی بر هزینه و مجازات‌های در پی آن، فزونی یابد شرکت‌ها از این سیاست‌ها بهره می‌گیرند. البته از آنجایی که مالیات‌ها هزینه قابل ملاحظه‌ای برای کسب و کار شرکت و سهامداران به وجود می‌آورند، معمولاً انتظار می‌رود که سهامداران تهور مالیاتی را ترجیح دهند. با این حال این بحث هزینه‌های غیرمالیاتی بالقوه‌ای که می‌تواند با تهور مالیاتی همراه شود خصوصاً هزینه‌های ناشی از مشکلات نمایندگی را نادیده می‌گیرد. آندرونی و همکارانش (۱۹۹۸)ⁱⁱ، اینگونه اظهار نظر می‌کنند که از دیدگاه سیاست ملی، مقوله اعمال سیاست‌های مالیاتی مشکلی است به دیرپایی و قدمت خود مالیات‌ها و از اینرو از اهمیت واضحی برای ملل سراسر جهان برخوردار است. چون ادبیات مالیات به لحاظ تاریخی تمایزی بین جنبه‌های شرکتی و فردی تهور مالیاتی پدید آورده است، مدل‌های پیشین تهور مالیاتی کسب و کار شرکتی بر مبنای تطبیق با هر فرد مالیات‌دهنده تنظیم شده است. هرچندکه، تحقیقات اخیر توسط چن و - چو^v (۲۰۰۵)ⁱ، کراکر و اسلمرود^v (۲۰۰۵) و دزایی و دارماپالا^{vi} (۲۰۰۶) دربرگیرنده تهور مالیاتی کسب و کار شرکتی در مقوله نظریه نمایندگی می‌باشد که بخاطر رابطه اصل نمایندگی بین سهامداران و مدیریت در فضای کسب و کار شرکتی بسیار مناسب‌تر است.

از دیدگاه نمایندگی، فواید مدیریتی تهور مالیاتی برای سهامداران، شامل صرفه‌جویی بیشتر مالیاتی برای شرکت است درحالی که هزینه‌های حاشیه‌ای، شامل توان بالقوه برای جرائم مالیاتی و مجازات‌هایی تحمیلی از سوی سازمان مالیاتی، هزینه‌های پیاده‌سازی، هزینه‌های اعتباری و

متهورانه مالیاتی رابطه‌ی منفی و معناداری، دارد ولی پاداش مدیران، دارای رابطه‌ی مثبت و معناداری، است.

روش تحقیق و مدل

۱-۳- روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر روش، توصیفی همبستگی و از نظر هدف، یک تحقیق کاربردی می باشد. همچنین جامعه آماری تحقیق شامل کلیه شرکتهای پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران است که به طور مستمر از سال ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۹ در بورس فعال بوده‌اند. روش گردآوری داده های تحقیق حاضر از نوع میدانی و ابزار گردآوری داده های تحقیق، بانک های اطلاعاتی بورس اوراق بهادار خواهد بود. به منظور جمع آوری داده های مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای پژوهش، از بانک های اطلاعاتی استفاده شد. نمونه گیری پژوهش به صورت هدفمند و بصورت حذف سیستماتیک انتخاب گردیده است. بدین صورت که از کلیه ی شرکتهای موجود بانکهایی که دارای شرایط فوق نباشند حذف شده و در نهایت از کل شرکت های باقی مانده ۱۰۷ بانک جهت انجام آزمون انتخاب خواهند شد.

۲-۳- مدل و متغیرهای تحقیق

در این در این تحقیق با الگوپذیری از تحقیق الخاموسی و همکاران (۲۰۱۷) و مدل رگرسیونی زیر، به آزمون فرضیه ها، پرداخته شده است:

$$\begin{aligned} TAX_MAN_{it} = & \alpha_0 + \alpha_1 BOARD_SIZE_{it} + \alpha_2 DUALITY_{it} + \alpha_3 BODI_{it} \\ & + \alpha_4 SALARY_{it} + \alpha_5 STOCK_{it} + \alpha_6 TOTAL_COMPENSA_{it} \\ & + \alpha_7 TAX_FEES_{it} + \alpha_8 AGE_{it} + \alpha_9 TENURE_{it} + \alpha_{10} SIZE_{it} \\ & + \alpha_{11} CINT_{it} + \alpha_{12} INTANG_{it} + \alpha_{13} ROA_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

در مدل فوق

BOARD_SIZE: اندازه هیئت مدیره، مجموع اعضای هیئت مدیره، **DUALITY**: دوگانگی نقش مدیرعامل است. اگر مدیرعامل، رئیس هیئت مدیره باشد، این متغیر برابر یک خواهد بود، در غیر این صورت برابر صفر است. **BODI** مدیر مستقل، درصد مدیران مستقل به

نحوه بوسیله شرایطی می توان توصیف نمود که شرکت های دارای مدیریت ضعیف از ابتدا پرخاشگری بیشتری به مالیات دارند، بویژه در مواقعی که تاثیر بازخورد مثبتی بین افزایش سود و تهور مالیاتی وجود دارد. آنها همچنین براین مدعا هستند که سهامداران، حضور مدیران را در تهور مالیاتی رد می کنند، علیرغم درآمدهای بالقوه در ارزش پیش از کسر مالیات شرکتی، این نظریه نیز بنظر این تصور را با به خود به همراه دارد که در شرایطی که تهور مالیاتی و افزایش سود جایگزین هستند، شرکت های دارای مدیریت مناسب از انگیزه بالاتری برای تهور مالیاتی برخوردارند.

مورفی و جنسن (۲۰۱۲)، در بررسی رابطه بین پاداش مدیران عامل و عملکرد شرکت، نتیجه گیری کردند که رابطه مثبتی بین اختیار معامله سهام اهدایی به مدیران و تغییر ثروت سهامداران وجود دارد. آلوس و همکاران xviii (۲۰۱۶) به بررسی تاثیر پاداش های اجرایی و عملکرد شرکت های پرتغالی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که میزان پاداش پرداختی به مدیران، ویژگیهای هیئت مدیره بر عملکرد شرکتها تاثیر دارد.

نتیجه تحقیق کلاین و همکاران xix (۲۰۱۷) نشان می دهد که دسته های مختلفی از پاداش های پرداختی مدیران می تواند بر عملکرد سازمانی تاثیر گذار باشد و رابطه معکوسی بین مالکیت سهام و عملکرد شرکت، وجود دارد. ژو و همکاران xx (۲۰۱۷) نشان داد که مدیران غیر کنترلی و مستقل بر میزان پرداخت های مدیران تاثیر دارد و این امر بر عملکرد شرکت ها تاثیر دارد.

تارکواسکا (۲۰۱۷) نتایج نشان داد که میزان پرداختی بالاتر به مدیران، روحیه و انگیزه تیم اجرایی را منفی می کند. جیانگ و همکاران xxi (۲۰۲۰) نشان داد محدودیت ها در پاداش های اجرایی با عملکرد حسابداری شرکتها رابطه منفی دارد این تاثیر منفی این رابطه در شرکت هایی با سطح حاکمیت خوب شرکتی، بهبود یافته و در سطح مطلوبی قرار دادند.

مولایی ایل ذوله و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیق نشان دادند بین مسئولیت اجتماعی شرکت با گزارشگری

کل دارایی‌های شرکت، CINT: نسبت کل تجهیزات، دارایی‌های خالص و کارخانه، به کل دارایی‌ها، INTANG: نسبت دارایی‌های نامشهود به کل دارایی‌ها، ROA: از نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها بدست می‌آید.

• نتایج تحقیق

۱-۴- آمار توصیفی

تحلیل داده‌ها در این بخش با محاسبه شاخص‌های مرکزی از جمله میانگین و میانه و شاخص‌های پراکندگی از قبیل انحراف معیار، حدکثر و حداقل مقدار متغیرها انجام شده است. نتایج آمار توصیفی در جدول (۱) گزارش شده است.

کل اعضای هیئت مدیره، SALARY: حقوق مدیرعامل، STOCK: سهامی که در اختیار مدیرعامل، TOTAL_COMPENSA: مجموع پاداش‌های دریافتی مدیرعامل، TAX_FEES: نسبت هزینه مالیاتی به کل هزینه حسابرسی، بدست می‌آید.

مالیات جسورانه: برای اندازه‌گیری این متغیر با الگوپذیری از تحقیق‌های خاموسی و همکاران (۲۰۱۶)، از نرخ موثر مالیاتی، نشان دهنده‌ی مالیات جسورانه است، استفاده شده است:

$$TAX - MAN_{it} = \frac{\text{کل هزینه مالیات شرکت در سال مزبور}}{\text{سود قبل از مالیات شرکت}}$$

متغیر کنترلی در این تحقیق نیز شامل:

AGE: نشان دهنده سن شرکت است. TENURE:

نشان دهنده مدت زمان تصدی مدیرعامل، SIZE: لگاریتم

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
AGE	1.5	1.6	1.8	1.0	0.2	-0.8	2.9
BOARD_SIZE	0.7	0.7	0.8	0.4	0.1	-0.6	4.1
BODI	0.3	0.3	0.3	0.0	0.1	-1.1	4.1
CINT	0.3	0.2	0.8	0.0	0.2	0.8	3.0
DUALITY	0.2	0.0	1.0	0.0	0.4	1.6	3.6
INTANG	1.3	0.0	173	0.0	8.3	14	260
ROA	0.1	0.1	0.6	-0.8	0.1	-0.2	6.5
SALARY	2.5	2.2	7.7	0.3	1.1	2.2	8.0
SIZE	14.1	13	19.1	10	1.6	0.9	3.9
STOCK	0.2	0.1	0.9	0.0	0.1	1.5	5.9
TAX_FEES	5.1	5.3	7.8	0.0	1.5	-2.2	8.7
TENURE	0.2	0.2	0.3	0.0	0.1	-2.6	8.8
TOTAL_COMPENSA	1.0	1.2	2.8	0.0	0.6	-0.2	2.7
AGE	5.5	5.4	8.0	3.7	0.8	0.8	3.7

ماخذ: یافته‌های تحقیق

۲-۴- آزمون مانایی متغیرها (ریشه واحد):

شویم. نتیجه آزمون ریشه واحد فیلیپس پرون برای متغیرهای مدل مورد بررسی در جدول (۲) آمده است. نتایج نشان دهنده این است که مقدار آماره احتمال متغیرها کمتر از ۰.۰۵ می‌باشد و این نشان دهنده این است که متغیرها در سطح مانا می‌باشند.

به منظور بررسی مانایی متغیرهای تحقیق از آزمون ریشه واحد فیلیپس پرون برای متغیرهای تحقیق استفاده می‌گردد. در صورتی که سری‌های زمانی مورد استفاده در رگرسیون پایا نباشد، ممکن است دچار رگرسیون کاذب

جدول (۲): بررسی مانایی متغیرها به روش فیلیپس پرون

نتیجه آزمون	آزمون فیلیپس پرون		متغیر
	معنا داری	آماره	
مانا	0.0000	323.481	AGE
مانا	0.0000	211.458	BOARD_SIZE
مانا	0.0000	489.624	BODI
مانا	0.0027	276.177	CINT
مانا	0.0000	223.037	DUALITY
مانا	0.0000	660.149	INTANG
مانا	0.0001	303.559	ROA
مانا	0.0000	437.128	SALARY
مانا	0.0001	299.615	SIZE
مانا	0.0000	322.744	STOCK
مانا	0.0000	316.963	TAX_FEES
مانا	0.0000	482.867	TAX_MAN
مانا	0.0000	513.692	TENURE
مانا	0.0000	416.223	TOTAL_COMPENSA

ماخذ: یافته های تحقیق

جدول (۳): مقدار قدر مطلق ضریب همبستگی

COMPENSA	TENURE	TAX_MAN	TAX_FEES	STOCK	SIZE	SALARY	ROA	INTANG	DUALITY	CINT	BODI	BOARD_SIZE	AGE	Correlation
													۱.۰۰۰	AGE
												۱.۰۰۰	۰.۰۱۶	BOARD_SIZE
											۱.۰۰۰	۰.۰۱۳	۰.۰۲۰	BODI
										۱.۰۰۰	۰.۰۴۷	۰.۰۰۴	۰.۰۳۹	CINT
									۱.۰۰۰	۰.۰۳۸	۰.۰۰۹	۰.۰۴۴	۰.۰۲۶	DUALITY
								۱.۰۰۰	۰.۰۳۵	۰.۰۶۳	۰.۰۲۱	۰.۰۲۹	۰.۰۰۰	INTANG
							۱.۰۰۰	۰.۰۵۲	۰.۰۱۷	۰.۰۷۶	۰.۰۱۶	۰.۰۸۰	۰.۱۴۰	ROA
						۱.۰۰۰	۰.۰۷۵	۰.۰۳۹	۰.۰۳۷	۰.۰۲۴	۰.۰۲۳	۰.۴۱۷	۰.۰۶۶	SALARY
				۱.۰۰۰	۰.۱۰۷	۰.۰۲۵	۰.۴۱۷	۰.۰۰۱	۰.۰۴۲	۰.۰۲۴	۰.۰۲۵	۰.۰۴۰	۰.۰۵۵	STOCK
			۱.۰۰۰	۰.۱۵۸	۰.۳۵۸	۰.۱۱۰	۰.۲۸۴	۰.۰۱۶	۰.۰۴۶	۰.۱۶۹	۰.۰۶۳	۰.۰۰۷	۰.۱۲۵	TAX_FEES
		۱.۰۰۰	۰.۴۶۴	۰.۱۳۱	۰.۰۴۰	۰.۱۱۷	۰.۲۷۰	۰.۰۰۳	۰.۰۷۳	۰.۰۱۸	۰.۰۰۱	۰.۰۱۶	۰.۱۳۳	TAX_MAN
	۱.۰۰۰	۰.۰۵۵	۰.۰۳۸	۰.۰۰۱	۰.۰۲۶	۰.۰۳۶	۰.۰۲۳	۰.۰۳۵	۰.۴۷۲	۰.۱۱۵	۰.۰۲۲	۰.۰۵۷	۰.۰۹۹	TENURE
۱.۰۰۰	۰.۰۷۱	۰.۱۷۴	۰.۳۷۲	۰.۱۵۳	۰.۴۴۹	۰.۰۰۱	۰.۱۶۴	۰.۰۴۰	۰.۰۴۵	۰.۳۵۵	۰.۰۰۶	۰.۰۱۲	۰.۰۷۵	COMPENSA

ماخذ: یافته های تحقیق

می باشد و سایر ضرایب، مقادیر اندکی به دست آمده و این نشان دهنده این است که بین متغیرهای توضیحی هم خطی بالایی وجود ندارد.

همچنین برای مشخص کردن عدم خطی بودن بین متغیرها، در جدول (۳) مشخص است بیشترین مقدار قدر مطلق ضریب همبستگی بین متغیرها برابر با مقدار ۰/۴۷۲

۳-۴- آزمون تعیین نوع داده‌های ترکیبی اف لیمر و هاسمن

اگر آماره F محاسبه شده از مقدار جدول کوچکتر باشد از داده‌های تابلویی و در غیر این صورت از داده‌های تلفیقی استفاده می‌شود. در صورتی که داده‌ها به صورت تابلویی باشند، باید آزمون هاسمن انجام شود.

در داده‌های ترکیبی برای انتخاب بین روش‌های داده‌های تابلویی و تلفیقی از آزمون F لیمر استفاده شود.

جدول (۴): نتایج آزمون هاسمن

مدل تحقیق	مقدار آماره	درجه آزادی	معناداری	نتیجه
آزمون F لیمر	۲۰۱	106,6	0.0000	مدل panel
آزمون هاسمن	۷36.	13	0.0005	اثرات ثابت

ماخذ: یافته‌های تحقیق

افزایش می‌دهد و بالعکس) و مقدار بیشتر از ۲ این آماره همبستگی پیاپی منفی را در بین باقیمانده نشان می‌دهد. لازم به ذکر است مقدار آماره آزمون اگر کمتر از ۱ یا بیشتر از ۳ باشد زنگ هشدار برای وجود خود همبستگی مثبت یا منفی بین باقیمانده می‌باشد. همانطور که در جدول (۵) مشخص است مقدار این آماره در این مطالعه نزدیک به ۲ می‌باشد که این مقدار نشان دهنده عدم وجود خود همبستگی می‌باشد که حالت مطلوب در فرضیات اصلی مربوط به باقیمانده‌ها می‌باشد.

با توجه به جدول (۴) روش پولینگ دیتا برای تخمین مدل تحقیق انتخاب می‌شود. با توجه به اینکه مقدار معناداری آزمون هاسمن در مدل از سطح خطای ۰/۰۵ کوچکتر است، فرضیه صفر مبتنی بر تخمین معادله به روش اثرات تصادفی رد شده و مدل باید با استفاده از اثرات ثابت تخمین زده شود.

۴-۴- آزمون خود همبستگی

آزمون خود همبستگی یکی از فروض کلاسیک رگرسیون است. آماره دوربین واتسن^{xxi i}، یک آماره آزمون می‌باشد که برای بررسی وجود خود همبستگی^{xxii i} (رابطه بین مقادیری که با تاخیر زمانی^{xxi v} مشخص از یکدیگر جدا شده‌اند) بین باقیمانده‌ها در تحلیل رگرسیون استفاده می‌گردد. مقدار این آماره همواره بین (۰ تا ۴) قرار می‌گیرد که آستانه‌های مورد پذیرش آن به صورت زیر است: مقدار ۲ برای این آماره نشانگر عدم وجود خود همبستگی می‌باشد که حالت مطلوب در فرضیات اصلی مربوط به باقیمانده‌ها در تحلیل رگرسیون می‌باشد. اصلاً مقدار کمتر از ۲ همبستگی پیاپی مثبت (نوعی همبستگی پیاپی می‌باشد که در آن مقدار باقیمانده مثبت برای یک مشاهده شانس مثبت بودن باقیمانده مشاهده دیگر را

۵-۴- آزمون مدل

نتایج حاصل از برآورد مدل رگرسیونی با روش تلفیقی در جدول (۵) گزارش شده است. نتایج حاصل از برآورد مدل و سطح معناداری مربوط به F کوچکتر از ۰/۰۵ است حاکی از معنی‌دار بودن متغیرهای ورودی از جمله متغیرهای کنترلی و مستقل، در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌باشد و نشان از برازش مناسب مدل دارد. مقدار ضریب تاثیر متغیر مستقل اندازه هیئت مدیره بر متغیر وابسته سیاست‌های جسورانه‌ی مالیاتی برابر ۰.۰۲۰۶ محاسبه شده است اما به لحاظ آماری معنی‌دار نمی‌باشد.

جدول (۵): تخمین مدل تحقیق

Y= TAX_MAN			متغیر
معناداری	آماره تی	ضریب	
0.01	-2.79	-0.03	AGE
0.38	0.88	0.02	BOARD_SIZE
0.13	1.53	0.03	BODI

0.00	-7.05	-0.07	CINT
0.05	-1.99	-0.01	DUALITY
0.59	-0.54	0.00	INTANG
0.10	1.62	0.02	ROA
0.00	4.40	0.01	SALARY
0.00	-14.28	-0.02	SIZE
0.50	-0.67	-0.01	STOCK
0.00	39.05	0.03	TAX_FEES
0.46	-0.74	0.00	TENURE
0.00	7.78	0.02	TOTAL_COMPENSA
0.00	7.29	0.22	C
(F)= Prob F= 21.31 0.80R ^۲ = D.W=2.181			برازش کلی مدل

ماخذ: یافته های تحقیق

و همچنین وجود رابطه معنادار بین ساختار مالکیت و سیاست‌های جسورانه مالیاتی با نقش تعدیل کننده ی عملکرد شرکت ها است

با توجه به نتایج بدست آمده، میزان پاداش هیئت مدیره بر سیاست‌های جسورانه‌ی مالیاتی شرکت، تاثیر معناداری به اندازه ۰.۰۲ واحد دارد. عسگری و مولانی نیا (۱۳۹۷) و مولانی نیا و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند که پاداش هیئت مدیره با اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری دارد، به عبارت دیگر هر چه میزان پاداش هیئت مدیره بیشتر باشد انگیزه مدیران برای کاهش و فرار از پرداخت مالیات کاهش می یابد. خاموسی و همکاران (۲۰۱۶) نشان دادند ساختار حاکمیتی و پاداش هیئت مدیره بر کاهش مالیات جسورانه، تاثیر دارد. در واقع بین اندازه هیئت مدیره، پاداش مدیرعامل، با مالیات جسورانه، رابطه منفی وجود دارد همچنین بین دوگانگی نقش مدیران و مالیات جسورانه، رابطه منفی وجود دارد.

نتیجه گیری پیشنهادت

بهبود فضای کسب و کار امروزه به عنوان یک راهبرد اقتصادی شناخته شده است. این راهبرد مکمل راهبرد خصوصی سازی است و برخی نیز حتی برای باورند که رفع موانع بخش خصوصی یا همان بهبود فضای کسب و کار می بایست جایگزین خصوصی سازی شود. همچنین، بهبود فضای کسب و کار می تواند منجر به ایجاد فعالیت‌های متکی بر کارآفرینی گردد

مقدار ضریب تاثیر متغیر مستقل دوگانگی مدیر عامل بر متغیر وابسته سیاست‌های جسورانه‌ی مالیاتی برابر - 0.01 محاسبه شده که به لحاظ آماری معنی دار است. بنابراین می توان گفت دوگانگی مدیر عامل، بر سیاست‌های جسورانه‌ی مالیاتی شرکت، تاثیر منفی و معناداری دارد. درخصوص استقلال هیئت مدیره، بر سیاست‌های جسورانه‌ی مالیاتی شرکت‌ها، تأثیر معنی داری ندارد. در این راستا محققان به نتایج مختلفی رسیده اند مینیک و نگا (۲۰۱۰) دریافتند که هیئت‌های مستقل بیشتر بر سیاست های جسورانه تمرکز کرده اند. در واقع، مدیران مستقل خارجی بیشتر احتمال دارد که مالیات را به میزان قابل توجهی کاهش دهند و مالیات داخلی افزایش یابد. ژو (۲۰۱۱) استدلال کرد که شرکت‌هایی که مدیران مستقل بیشتری دارند، کمتر تحت تاثیر تجاوز مالیاتی قرار می-گیرند. آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۵) مشاهده کرد که هیئت مدیره با مدیران مستقل بیشتر متعهد به پرداخت مالیات شد.

با توجه به نتایج بدست آمده مبنی عدم تاثیر معنادار متغیرهای اندازه هیئت مدیره، دوگانگی مدیر عامل و استقلال هیئت مدیره، بر سیاست‌های جسورانه‌ی مالیاتی، می توان در مجموع گفت ساختار حاکمیت شرکتی بر سیاست‌های جسورانه‌ی مالیاتی شرکت‌ها، تأثیر معنی درای ندارد. شیرین حصار و اسعدی (۱۳۹۴) در بررسی خود نشان دادند نتایج پژوهش حاضر بیانگر عدم وجود رابطه معنادار بین ساختار مالکیت با سیاست‌های جسورانه مالیاتی

میزان پاداش هیئت مدیره بر سیاست‌های جسورانه‌ی مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تاثیر معنی‌داری داشته است.

می‌توان پیشنهاد کرد با توجه اهمیت افزایش ارزش شرکت، لازم است که اطلاعات دقیق در زمینه‌ی پاداش‌های دریافتی مدیران، در اختیار بازار قرار گیرد تا میزان عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌ها کاهش یابد. تا سرمایه‌گذاران در مورد رفتار مالیاتی شرکت، بتوانند به درستی تصمیم‌گیری نمایند.

همچنین جهت تجزیه و تحلیل بنیادی و ارزیابی صحیحی از عملکرد مدیر به شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود تا اطلاعات کاملی در مورد ویژگی‌های حاکمیت شرکتی، در قالب معیارهای کمی قابل اندازه‌گیری، به سرمایه‌گذاران ارائه شود. تا سرمایه‌گذاران بتوانند با شناخت کامل از شرکت‌ها، سرمایه‌گذاری نمایند.

اهمیت انجام این پژوهش در این است که بررسی عوامل موثر بر اتخاذ سیاست‌های جسورانه مالیاتی توسط شرکت‌ها، بدلیل تاثیرگذاری آن بر عملکرد و اعتبار شرکت در بازار سرمایه از جایگاه ویژه‌ای برای سهامداران و دولت برخوردار است. از سوی دیگر با توجه به نقش و جایگاه هیأت مدیره به عنوان نمایندگان سهامداران در راهبری سیاست‌ها و فعالیت‌های شرکت که در قانون تجارت نیز بر آن تاکید شده است؛ بررسی تاثیر هیأت مدیره بر سیاست‌های مالیاتی، میتواند به تبیین درست جایگاه آن در تصمیم‌گیری‌های شرکت کمک شایانی کند. هدف از این تحقیق، بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی و پاداش مدیریتی بر سیاست‌های مالیاتی جسورانه کسب و کار شرکت‌ها بوده است.

نتایج تحقیق نشان داد ساختار حاکمیت شرکتی، اندازه هیئت مدیره

دوگانگی مدیر عامل، استقلال هیئت مدیره بر سیاست‌های جسورانه‌ی مالیاتی شرکت‌ها تاثیر معنی‌داری نداشته است.

ⁱ *Beaumont and Harris*

ⁱⁱ *Yu Peiyi, Luu*

ⁱⁱⁱ *Andreoni et al.*

^{iv} *Chen and Chu*

^v *Crocker and Slemrod*

^{vi} *Desai and Dharmapala*

^{vii} *Slemrod*

^{viii} *Scholes et al.*

^{ix} *Hanlon and Slemrod*

^x *Chen et al.*

^{xi} *Desai and Dharmapala*

^{xii} *Zahra and Stanton*

^{xiii} *Zahra and Pearce*

^{xiv} *Beasley*

^{xv} *Ibrahim et al.*

^{xvi} *Uzun et al.*

^{xvii} *Williams*

^{xviii} *Alves*

^{xix} *Kline*

^{xx} *Zhou*

^{xxi} *Jiang*

^{xxii} *Durbin–Watson statistic*

^{xxiii} *autocorrelation*

^{xxiv} *Lag*

منابع

- بحری ثالث جمال؛ بهنمون یعقوب، مددی زاده ابراهیم. ۱۳۹۳. "ویژگی های هیات مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه"، حسابداری مدیریت، پاییز ۱۳۹۳، دوره ۷، شماره ۲۲؛ از صفحه ۵۳ تا صفحه ۶۷.
- اسعدی، عبدالرضا؛ رضا تهرانی و سمانه خستو، ۱۳۹۲، "تأثیر ساختار هیات مدیره بر سیاستهای جسورانه مالیاتی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، یازدهمین همایش ملی حسابداری ایران، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ولایی نیا، رضا و محمدرضا عسگری، ۱۳۹۷، "بررسی رابطه بین کیفیت پاداش هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پنجمین کنفرانس اقتصاد و مدیریت کاربردی با رویکرد ملی، بابلسر، دانشگاه بوعلی سینا همدان - شرکت پژوهشی طرود شمال- دانشگاه سیستان و بلوچستان-دانشگاه پیام نور مرکز یزد- شبکه پژوهشگران ایرانی
- خستو، سمانه. ۱۳۹۱. "تأثیر ساختار هیأت مدیره شرکتها بر سیاستهای متهورانه مالیاتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پایان نامه کارشناسی ارشد، واحد نیشابور
- یوسفی، ابراهیم، ۱۳۹۶، "بررسی رابطه بین پاداش هیئت مدیره و مدیر عامل و اصول حاکمیت شرکتی بر روی مدیریت مالیاتی"، سومین کنفرانس بین المللی مدیریت و مهندسی صنایع، تهران، دانشگاه مقدس اردبیلی
- Armstrong, C., Blouin, J. & Larcker, D. (2010). "The Incentives for Tax Planning", Working Paper, SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1416422>
- Desai, M. Dharmapala, D. (2009). "Corporate Tax Avoidance and Firm Value". *Review of Economics and Statistics*, 91, 537-546.
- Frank, M.M., Lynch, L.J. and Rego, S.O. (2009), "Tax reporting aggressiveness and its relation to aggressive financial reporting", *The Accounting Review*, Vol. 84 No. 2, pp. 467-496.
- Richardson, G., Wang, B. & Zhang, X. (2016). Ownership structure and corporate tax avoidance: Evidence from publicly listed private firms in China. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 12(2), 141-158.
- O'Connor. Thomas, Byrne. Julie, (2015) "When does corporate governance matter? Evidence from across the corporate life-cycle", *Managerial Finance*, Vol. 41 Issue: 7, pp.673-691, doi: 10.1108/MF-11-2013-0306, p: 6
- Nanik Lestari and Ratna Wardhani (2015) "The Effect of the Tax Planning to Firm Value with Moderating Board Diversity", *International Journal of Economics and Financial Issues* ISSN: 2146-4138 available at <http://www.econjournals.com> *International Journal of Economics and Financial Issues*, 2015, 5(Special Issue) 315-323.
- Lanis, R. and Richardson, G. (2011a), "The effect of board of director composition on corporate tax aggressiveness", *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 30 No. 1, pp. 50-70
- Kim, J.-B., Li, Y. and Zhang, L. (2011), "Corporate tax avoidance and stock price crash risk: firm-level analysis", *Journal of Financial Economics*, Vol. 100 No. 3, pp. 639-662.